**به‏نام خداوند بخشنده مهربان**

**درآمدی بر کیفیت‏گرایی در آموزش عالي**

# فصل دوم: کیفیت آموزشی

## سیر تحول کیفیت از قرون وسطی تا قرن بیست و یکم

**تعریف شما از کیفیت چیست؟**

## مدیریت کیفیت

## مدیریت كيفيت خدمات

**وجه تمایز بهبود و کنترل کیفیت**

## کیفیت آموزشی

## کیفیت آموزش‌های دانشگاهی

## مشتريان نظام آموزشی

**نظام آموزشی چه نقشی در توسعه پایدار دارد؟**

**فصل سوم:** **آموزش عالی**

## مقدمه

**مفهوم آموزش عالی**

## روند تحول آموزش­عالي تا جهاني شدن: از سنّتي تا فرانوگرایی

## سیر تاریخی نظام آموزش عالی در جهان

## سیر تاریخی نظام آموزش عالی در ایران پیش از انقلاب اسلامی

## سیر تاریخی نظام آموزش عالی در ایران پس از انقلاب اسلامی

## رسالت آموزش عالي

## اهداف آموزش ­عالی در ایران

## اهداف مصوب آموزش عالی ایران

**مزایای عملی آموزش عالی در قرن بیست و یکم**

# فصل چهارم: مسئولیت اجتماعی دانشگاه‏ها

مقدمه

**مسئولیت اجتماعی دانشگاه‏ها**

**مفاهیم مرتبط با مسئولیت اجتماعی دانشگاه‏ها**

چگونه دانشگاه‎ها می توانند مسئولیت اجتماعی را در دانشجویان خود ترغیب کنند؟

**عناصر مسئولیت اجتماعی دانشگاه‏ها**

# فصل پنجم: کیفيت خدمات در نظام آموزش عالي

# مقدمه

# نحوه شكل‏گيري انتظارات آموزشی

# كيفيت خدمات در آموزش

# دغدغه بهبود كيفيت در نظام‌هاي آموزش عالي

# كيفيت آموزش عالي نوين

# اندازه‌گيري كيفيت خدمات در آموزش عالي

## تجربه‌هاي بين‌المللي در ارزيابي كيفيت آموزش عالي

## تجربه ارزيابي كيفيت در آموزش عالي ايران

## مدیریت كيفيت خدمات در آموزش عالي

# فصل پنجم: شاخص‌ها ومدل‌های کيفيت خدمات در آموزش عالي

## مقدمه

## شاخص‌های کیفیت در کيفيت خدمات در آموزش عالي

**ساختار سازمانی تحصیلات تکمیلی**

**ساختار نیروی انسانی اداری و آموزشی در تحصیلات تکمیلی**

**هدف‌گذاری، سازماندهی و مدیریت نرم‌افزاری**

## پژوهش، نیازسنجی و انطباق با نیازهای جامعه

## قوانین و مقررات آموزش عالی

**محتوا و متون آموزشی**

**سامانه‌های نظارت و کنترل؛ بازخورد و اثرسنجی آموزشی**

## مدل‌های کيفيت خدمات

# فصل ششم: جهانی شدن و آموزش عالی

## مقدمه

## نظام آموزش عالي در عصر جهانی شدن

**نیروی جهانی شدن چگونه بر نظام‏های آموزش عالی تأثیر می‎گذارد؟**

## جهانی شدن و نظریه‎های آموزش عالی

**شکافت حلقه‎های بسته دانش در ایران**

## برنامه درسی آموزش عالی برای بازار کار جهانی

# فصل هفتم: کیفیت‏گرایی در آموزش عالی

## مقدمه

## عوامل مؤثر بر کیفیت و کیفیت آموزشی

**عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی از دیدگاه اندیشمندان**

## عوامل ارتقاء کیفیت آموزشی نظام آموزش عالی

# فصل هشتم: راهبردهای ارتقای کیفیت آموزشی نظام آموزش عالی

## مقدمه

**راهبردهای ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی**
**واژه‏نامه**

**منابع**

# فصل اول: آموزش عالی

## مقدمه

تحصیلات عالیه چیست؟ چرا شما به آن نیاز دارید؟ آمارها چه چیزی را نشان می‏دهند؟ آموزش عالی چیست، چگونه می‏توانید به عنوان یک دانشجو به نظام آموزش عالی وارد شوید؟ و سؤالات بسیاری که می‏تواند ذهن شما را؛ شما که به دنبال دستیابی به نظام آموزشی در سطحی بالاتر، معلومات بیشتر و دانش روز هستید، درگیر نماید. به‏طور خاص نظام آموزش عالی، ارائه‏کنند آموزشی است که توسط دانشگاه‏ها، کالج‏ها، مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و حوزه‏های علمیه به مشتریان خاص خود عرضه می‏شود و در نهایت پس از گذراندن دوره مشخص، به مشتریان خود در صورت موفقیت در به پایان رساندن دوره، درجه علمی اعطا می‏گردد. آموزش عالی برای افراد این امکان را فراهم می‏سازد که بتوانند دانش و مهارت خود را گسترش داده افکار خود را به روشنی در گفتار و نوشتار بیان نمایند، مفاهیم و نظریه‏های انتزاعی را درک کنند و درک خود را از جهان و جامعه افزایش دهند، همچنین فرصتی را برای آن‏ها فراهم می‏آورد که کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند و در مقایسه با فارغ‏التحصیلان دوره‏های متوسطه و پیش از دانشگاه از شرایط بهتری برخوردار گردند.

**حق دسترسی به آموزش عالی**

از زمانی که انسان خلق شد، فرآیند آموزش نیز به وجود آمد، البته به گونه‏ای متفاوت از جوامع امروزی. در زمان پیدایش انسان نخستین، آموزش رسمی؛ آنچنان که امروز جلوه‏گر شده است، وجود نداشته است، اما انسان‏هایی که از تجربیات خوبی برخوردار بودند و نسبت به سایرین بالغ‏تر می‏نمودند، به عنوان راهنما و مربی بودند که برای سایرین نقش یک معلم را که در هر جایی جضور داشت، ایفا می‏کردند. اما این شرایط قطعاً با ازدیاد جمعیت، رشد و گسترش شهرها و انباشتگی اطلاعات و دانش، نمی‏توانست دوام بیاورد، پس آموزش توسط یک فرد با تجربه و بالغ نیز نمی‏توانست گره‏گشا باشد. همچنان که رشد فزاینده جوامع و تغییرات و چالش‏ها بی از پیش می‏گشت، آموزش رسمی شکل گرفت و آن را بر عهده مؤسساتی گذاشتند که صرفاً کار و فعالیت‎شان آموزش به افراد بود.

در خصوص این‏که افراد مختلف به دور از هر گونه تبعیض و شرایطی می‏توانند از حق آموزش برخوردار باشند، هرگز نباید به خود کمترین شک و شبه‏ای را، راه داد. حق آموزش، گونه‏ای از حقوق شهروندی است و حقی است که در نظام جهانی مورد پذیرش و شناسایی تمام جهان قرار گرفته است. حق آموزش به معنای آن است که تمام اعضای یک کشور و یک جامعه می‏توانند از امکانات آموزشی به صورت رایگان و اجباری برای دوره ابتدایی، الزام ایجاد آموزش متوسطه در دسترس برای همه، و در ادامه آن‏ها، الزام ایجاد دسترسی مساوی به آموزش عالی، به طور ایده‌آل از طریق ارائهٔ آموزش عالی، برخوردار شوند.

از زمان ایجاد اولین دانشگاه های اروپا در قرون وسطی، دستیابی به آموزش عالی با تمایز شهروندان مدنی، سیاسی و اجتماعی همراه بوده است. حق دسترسی به آموزش عالی در تعدادی از اسناد بین‏المللی حقوق بشر ذکر شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، یک پیمان بین‌المللی است و در نتیجه مستقیمی که جنگ جهانی دوم بر روی کشورهای مختلف و انسان‏های بیشماری گذاشته بود، در تاریخ 10 سپتامبر سال 1948 در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پاریس مورد تصویب قرار گرفت. در این اعلامیه برای اولین مرتبه؛ که پیش از آن هرگز به آن پرداخته نشده بود، حقوقی را که تمام انسان‌ها مستحق آن هستند را به‌صورت جهانی بیان می‌دارد. حقوق بشر به عنوان حقوقی که در تمام دنیا، برای همه افراد به گونه‏ای مساوی و بی آن‏که تبعیضی برای افراد قائل شود، در نظر گرفته شده است. اعلامیهٔ مذکور شامل سی ماده است که به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر؛ که تمامی انسان‏ها در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند، می‌پردازد. در ماده 26 این اعلامیه اشاره شده است:

1- آموزش و پرورش حق همگان است. آموزش و پرورش می‌بایست، دست کم در دروه‌های ابتدایی و پایه، رایگان در اختیار همگان قرار گیرد. آموزش ابتدایی می‌بایست اجباری باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای نیز می‌بایست قابل دسترس برای همه مردم بوده و دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر پایه شایستگی‌های فردی صورت پذیرد.

2- آموزش و پرورش می‌بایست در جهت رشد همه جانبهٔ شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری و دوستی میان تمامی ملت‏ها و گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به برنامه‌های «ملل متحد» در راه حفظ صلح یاری رساند.

**چالش‏های نظام آموزش عالی ایران**

مشکلات و چالش‏هایی که آموزش عالي با آن روبه‏روست، بسيار سريع و خشن و از همه جنبه‏ها در اين بخش وجود دارد. دانشگاه‏ها مؤسساتی با عمر طولانی هستند که برای ارزش‏های ویژه‏ای همچون یادگیری و آزادی انجام پژوهش‎ها درباره سؤالاتی که به ذهن پژوهشگر متبادر می‏شود، ایجاد شده‏اند. با این حال، این نهادها از جهات مختلف تهدید می شوند و بسیاری از مشکلات، توانایی این نهادها را برای محافظت از ارزش‏ها تهدید می‏کند. از آنجایی که می‏خواهیم به چالش‏های پیش‏روی نظام آموزش عالی بپردازیم، اما به یاد داشته باشید آموزش عالی یکپارچه نیست و از انواع مختلف نهادهای مستقل و متنوع تشکیل شده است که همه آنها برای حمایت و حفظ منافع شخصی و سازمانی تلاش می‏کنند. به دلیل آن‏که مشکلات و فرصت‏ها متفاوت هستند، اقدامات و مداخلات می تواند نتایج متفاوتی را در گروه های مختلف مؤسسات یا در انواع مختلف دانشجویان یا اعضای هیئت علمی ایجاد کند. با این وجود، اصول اساسی خاصی وجود دارد که در میان همه این مؤسسات مشترک هستند. مهمترین اهداف آموزش عالی شامل ارائه آموزش گسترده به دانشجویان به منظور داشتن زندگی پربار در جامعه متمدن است. نظامی که به طیف گسترده‏ای از دانشجویان با نیازها، منابع و ظرفیت‏های مختلف، خدمت می کند.

نظام‌ آموزش عالی، به عنوان یکی از مراکز تعلیم و تربیت در نظام جمهوری اسلامی ایران مسئولیت سنگینی را بر عهده دارد و آن تربیت نیروی انسانی است که بتواند به نیازهای جامعه؛ با کسب علم و دانشی که در دانشگاه از آن برخوردار گشته است، پاسخ دهد. اما گاهاً مشاهده می‏شود که نیروی دانش‏آموخته از چنان توانایی و شایستگی برخوردار نگشته است که بتواند برای جامعه مفید واقع شود، و این چیزی جز عدم توفیق دانشگاه‏ها در دستیابی به عملکردی مطلوب، نیست. نظام‌ آموزش عالی نوین ‌ایران، به در دوران یکصد و پنجاه ساله عمر خود از فرازها و فرودهای مختلف عبور نموده ‌است، همواره با روندی افزایشی ‌آشکارا به‌ سمت تمرکزگرایی مفرط سیر کرده است. آموزش عالی در ایران با یک رشد سرسام‏‌آور روبه‏رو بوده‌ است همان طور که در نمودار (.....) نرخ رشد از سال 1971 تا سال 2018 قابل مشاهده است، در حالی که ‌امکانات آموزشی ما متناسب با آن افزایش پیدا نکرده ‌است، بنابراین آنچه می‏تواند به عنوان نتیجه و ماحصل طبیعی چنین رویه‌ای باشد، کاهش کیفیت ‌در مراکز آموزش عالی است. در برنامه سوم عمرانی کشور مقرر گشته بود که دیگر به بخش کمّی توجه نشود و بیشتر به بخش کیفی عنایت شود. به‌ عبارت بهتر هدف ایجاد هماهنگی بیشتر بین توسعه ‌آموزش عالی و توسعه ملی، تنوع‏بخشی به نظام آموزش عالی، بازنگری برنامه‌های درسی، توسعه دانش سازمان‏یافته، توسعه همکاری‌های بین‏المللی، رشد استعدادهای درخشان، گسترش دسترسی به ‌شبکه‌های ‌اطلاعاتی، بهبود نظام‌های‌ ارزشیابی، متعادل نمودن تدریس و تحقیق در دانشگاه‌ها، متنوع ساختن منابع مالی دانشگاه‌ها و افزایش بودجه پژوهشی، تشویق ایجاد سازمان‌ها و انجمن‌های دانشجویی در زمینه‌های صنفی، علمی و فرهنگی، توسعه‌ تحصیلات تکمیلی و دوره‌های علمی و کاربردی، گسترش حضور بانوان در دانشگاه‌ها و توسعه آموزش مجازی بود. با نگاهی به شواهد و سوابق، عدم توفیق دستگاه علمی کشور را در نیل به بخش عمده‌ای ‌از اهداف برنامه سوم توسعه می‌توان مشاهده نمود.



نمودار (1): ایران - نسبت ثبت‏نام ناخالص در آموزش عالی 8/62 (%) در سال 2018 منبع: بانک جهانی[[1]](#footnote-1)

سطح کیفی آموزش عالی رو به نزول است و آن را می‏توان در آثار به جامانده از سیاست‏های غلط و اشتباه، دید، از جمله آن‏که برای ورود به دانشگاه ضوابط مشخصی وجود ندارد، استادندارهای علمی را در پذیرش دانشجویان نمی‏توان مشاهده نمود، از دیگر موارد می‏توان به ضعف تدریس اساتید و پژوهش در دانشگاه اشاره نمود. از دیگر چالش‏هایی که می‏توان مورد توجه قرار داد، عدم توجه اساتید به نقش و وظایف تخصصی است که صرفاً برای آن به محیط علمی راه پیدا کرده‏اند و نه ایفای نقش‏هایی دیگر در خارج از دانشگاه. با افزایش اشتغالات اساتید، فرصت مطالعه و به روز نمودن اطلاعات و دانش، از بین خواهد رفت و با گذشت زمان کنجکاوی و عطشی که می‏باید برای هر یک از اساتید وجود داشته باشد، فروکش خواهد نمود و تکرار دانش گذشته؛ که امروز منسوخ گشته است، دیگر دغدغه‏ای برای اساتید ایجاد نخواهد کرد و منجر به آسیب‏هایی جدّی به بدنه نظام علمی دانشگاه‏ها خواهد شد، و این در حالی است که از وظایف اساتید باید دانشجویان خود را به سوی دنیای واقعی و پویا، سوق دهند. از طرف دیگر سرعت تغییرات در حوزه‌های مختلف اقتصادی، صنعتی و خدماتی بسیار بیش از گذشته خودنمایی می‏کند و در کنار این تغییرات، عدم تناسب محتوا و سرفصل‏های دانشگاهی، قابلیت‌های علمی و مهارتی را در دانش‏آموختگان دانشگاهی ما چندین برابر نموده است. در آینده صرف داشتن مدرک تحصیلی نمی‏توان به توسعه کشور خوش‏بین بود، آینده طلایی یک جامعه به مهارت‏هایی نیاز دارد که دانش‏آموختگانش وارد بازار کار می‏نمایند.

یک عامل مشترک غیرقابل انکار دیگر تغییر اطلاعات و محیط رسانه است. این شبح روبه‏رشد می‏تواند تأثیرات غیرقابل پیش‏بینی را در آینده؛ آینده‏ای نچندان دور، بر نظام آموزشی قدیمی و به روز نشده، بر جای بگذارد، تأثیر در نوع تعاملات، نحوه زندگی، روش‏های یادگیری و روش کار. تأثیر این موج جدید بیشتر از انقلاب صنعتی خواهد بود به نوعی که جهان ما را متحول خواهد کرد. در زمانی که انقلاب صنعتی به وجود آمد، هدف انسان این بود که بتواند جایگزینی برای انجام کارهای فیزیکی خود پیدا کند و از ابزارآلات و ماشین‏های صنعتی بهره‏مند گشت، در دوره حاضر، انسان به دنبال آن است که چگونه از ابزارآلات استفاده کند که بتواند آن‏ها را جایگزین کار فکری خود کند. با نگاهی به سیر تحولاتی که از انقلاب صنعتی به بعد در جهان شاهد آن بودیم، متوجه خواهیم شد، همانطور که تغییر کار به سمت استفاده از ماشین‏ها بسیاری از جنبه های جامعه را دگرگون کرد، ادامه حرکت به سمت استفاده از ماشین آلات برای پشتیبانی کاملتر از کار فکری، تحولات بزرگ‏تری را به دنبال خواهد داشت. بنابراین تقاضای یادگیری مادام‎‏العمر در یک جهان غیرخطی برای مقابله با تغییرات فن‏آوری و شرایط اجتماعی ناشی از انقلاب جدید، ضرورتی اجتناب‏ناپذیر به نظر می‏رسد. ایده یادگیری مادام‏العمر پدیده جدیدی نیست. اما در جهانی که بسیار غیرخطی شده است؛ از زمان معرفی این مفهوم، شرایط یادگیری مادام‏العمر به طور قابل توجهی تغییر کرده است.

در آینده تغییرات بی‏سابقه‏ای به وجود خواهد آمد که مدیریت چالش‏های آینده بسیار سخت خواهد شد، در صورتی که با شرایط فعلی به استقبال آینده برویم. همان اندازه که از تغییرات و تحولات مورد نیاز آینده سخن به میان می‏آید، ضرورت تغییر را ضروری می‏سازد و در این راستا تحولات ساختاری به موازات سایر تغییرات نیز اجتناب‏ناپذیر می‏شود و از اهمیت بالایی برخوردار می‏شود.

نیازها و انتظارات دانشجویان و مصرف‏کنندگان موجب تغییر در بخش‏های مختلف آموزش عالی می‏شود. با ورود نسل جدید به آموزش عالی، اکثر جنبه‏های نظام آموزشی را تغییر خواهد داد. آن‏ها در حکم مصرف‏کننده خواهند بود و چنانچه نیاز خود را در آنجا نتوانند برآورده سازند، جای دیگری را انتخاب خواهند کرد.

## کیفیت در آموزش ­عالی

کیفیت در آموزش عالی هدفی است که تمام علاقه‏مندان، نظریه‏پردازان، اندیشمندان و سیاستمداران از دهه 1990 تا کنون به دنبال آن هستند. اگر دانشجویان نظام آموزش عالی، چیز ارزشمند و ماندگاری را فرا نگیرند، افزایش نرخ فارغ‏التحصیلی و سطح تحصیلات نتیجه‎ای کمّی خواهد داشت. با این حال ما هر روز شاهد آن هستیم که نظام آموزشی درصدد افزایش تعداد افرادی است که به دانشگاه می‏روند و تمرکز کمتری نسبت به بهبود آموزش فراگیران دارد. بسیاری از کارفرمایان شکایت دارند که بسیاری از فارغ‏التحصیلانی که استخدام می‏کنند دارای مهار‏ های اساسی مانند نوشتن، حل مسئله و تفکر انتقادی نیستند. بسیاری از دانشجویانی که وارد دانشگاه می‏شوند، آمادگی کافی برای ورود به بازار کار را به‏دست نمی‏آورند، و این وضعیت زنگ هشداری است که در دانشگاه‏ها با کاهش استداندارهای تحصیلی مواجه گشته‏ایم ولی در عین حال دستیابی به سطوح عالی راحت‏تر از گذشته شده است. در حالی که برخی از رهبران مؤسسات آموزش عالی تلاش جدّی برای بهبود شرایط می‏کنند، به نظر می رسد بسیاری دیگر از برنامه‏های موجود خود راضی هستند و تلاشی برای تغییر از خود نشان نمی‏دهند، اگرچه آنها وجود مشكلات مؤثر بر آموزش عالی را تشخیص می دهند، اما به نظر می رسد تعداد اندكی معتقدند كه این مشكلات در دانشگاه خودشان وجود دارد و بسیاری دیگر مشکلات را در خارج از سازمان خود می‏بینند. با به‏کارگیری اساتیدی که از مهارت‏های کافی برای اداره کلاس خود بهره‏مند نیستند و یا آن‏که شیوه آموزش و یاددهی آن‏ها هرگز مورد تأیید نیست، می‏تواند منجربه نرخ بالاتری در ترک تحصیل دانشجویان شود. تحقق تغییرات اساسی بیشتر به طول می انجامد اما در نهایت می تواند کیفیت را در نظام آموزش عالی به همراه داشته باشد.

از جمله متغیرهایی مهم و تأثیرگذار در سازمان‏ها به عنوان عامل موفقیت یا عدم موفقیت، از جمله سازمان‏ها، مؤسسات و مراکز آموزشی، موضوع بحث‎برانگیز کیفیت است که امروز به دلیل جایگاه ویژه‏ای که در جلب رضایت‏مندی مشتری به دنبال دارد، همگان درصدد کسب آن هستند. ارزیابی‏های گوناگونی که از نظام‏های آموزشی انجام می‏شود، می‏توانند واقعیت‏هایی را که سازمان در خود دارد را به گونه‏ای حقیقی به معرض نمایش قرار دهد، با توجه به ارزیابی‏های انجام شده می‏تواند شرایطی را فراهم آورد که تصمیم‏گیرندگان واقعی و رهبران این حوزه، تصویر دقیقی از چگونگی فعالیت‏های نظام آموزشی خود به‏دست آورند و نتایج مشخص خواهد نمود، که سازمان آیا از مراقبت‏های بیشتری باید برخوردار شود و یا خیر.

در کشورهای توسعه‏یافته اولویت در ارتقا کیفیت­ خدمات و محصولات آموزشی است. شناسایی نقاط قوت و ضعف، تشخیص فرصت­ها و تهدیدها و تلاش برای بهبود وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب و کسب جایگاه برتر از مهم‌ترین وظایف سازمان­ها از جمله دانشگاه‌ها است. در این جوامع بر بهبود مستمر فرآیند آموزش و تضمین کیفیت خدمات­ دانشگاهی شدیداً تأکید می‏شود، زیرا افزایش کیفیت به وجود آمده، منجر به موفقیت در حیطه‏های رقابتی با سایر جوامع خواهد شد و می‏تواند یک مزیت رقابتی را ایجاد کند. در مقابل این درجه اهمیتی که کشورهای توسعه‏یافته به موضوع آموزش عالی داده‏اند، کشورهای توسعه‏نیافته نقش مهمی که مراکز آموزشی می‏توانند در پیشرفت کشور داشته باشند را به فراموشی سپرده‏اند. مقامات­عالی این جوامع و گردانندگان آموزش ­عالی، دانشگاه‌ها را به عنوان عنصر تحول تلقی نمی­کنند زبرا آن‏ها فاقد تمهیدات لازم برای ایجاد تحول در جامعه هستند، کیفیت نیز یک مقوله فراموش شده در این مراکز است و پیوسته روبه کاهش است. این پدیده در آموزش­عالی از عوامل زیر ناشی می­شود:

 - ارزیابی نارسایی نیازهای جامعه

 - توسل به راه­های موقت و کوتاه

 - دیوان­سالاری نظام آموزش­عالی

 - بی‏تفاوتی نظام آموزش­عالی نسبت به مسائل ­اجتماعی

کیفیت یک مفهوم اساسی و حیاتی در جهان امروز است که در هر سازمانی ضروری به نظر می‏رسد. در یک مؤسسه آموزش عالی، آموزش یک امر ضروری است که جامعه برای دست پیدا کردن به توسعه پایدار باید از نظام آموزش عالی که نسبت به تحولات و آینده دغدغه داشته باشد، برخوردار باشد و آن را تقویت کند. به همین دلیل بهینه‏سازی، بهبود و توسعه سازوکارهایی که کیفیت آموزشی را تضمین کند، باید طراحی شود که بتواند به آموزش عالی در انتقال دانشجویانش به آینده؛ به عنوان شهروندانی که از دانش و مهارت کافی برخودار شده‏اند، کمک کند. نظام آموزشی که در بالاترین نقطه آن آموزش عالی قرار دارد، امر مهی را به عهده دارد و آن، ایجاد نظام شخصیتی متناسب با توسعه است که در آن، ارزش­ها، هنجارها، انگاره هاي ذهنی و ساختارهاي شناختی پیش نیاز توسعه، از طریق آموزش در افراد جامعه به وجود خواهند آمد.

برای مفهوم کیفیت نمی‏توان به معنایی واحد و ثابت رسید، کیفیت همچون موفقیت نمی‏تواند تک بعدی باشد بلکه زمانی می‏توان از کیفیت سخن گفت، که در تمام ابعاد و جوانب کیفیت رعایت شده باشد. برای آن‏که بتوان کیفیت را در دانشگاه‏ها ارتقا بخشید، می‏باید، نیازهای جامعه و مشتریان (دانشجویان)، شناخته شود و در مسیر تغییرات به درستی پیش رفت. کیفیت حد مشخصی که قابل اندازه‏گیری باشد، ندارد و که با رسیدن به درجه خاصی، به کیفیت دست پیدا کرده باشیم، زمانی می‏توان با اطمینان بالا گفت که به کیفیت مدنظر رسیده‏ایم، که رضایت مشتریان را توانسته باشیم جلب کنیم، مشتریانی که در مدت کوتاهی تغییر سلیقه می‏دهند و نیاز جدیدی در آن‏ها شکل می‏گیرد، بنابراین لازمه دست یافتن به سطح مطلوب و راضی‏کننده کیفیت، همسو شدن با تغییرات محیط است.

امروزه آنچه که برای همگان به وضوح آشکار گردیده است، جهت‎گیری است که دانشگاه‏ها در پیش گرفته‏اند، در صورتی‏ که دانشگاه‏های کشورهای توسعه‏یافته وارد نسل چهارم شده‏اند، بسیاری از دانشگاه‎‎‏ها هنوز مشاهده می‎شود که در نسل اول باقی مانده‏اند و هدف‏آن‏ها فقط و فقط آموزش است و توجه و تمرکزشان بر روی محوریت آموزش است؛ انتقال مستقیم مطالب، بی‏آنکه حس کنجکاوی، پژوهشگری، خلاقیت، نوآوری، کار گروهی و انگیختگی را در دانشجویان خود به وجود آورند و بدون توجه به تولید دانش، تنها به انتقال دانش بسنده کرده‏اند.

دانشجو بودن در نسل اول به معنای این است که شما اولین نفر در خانواده خود باشید که در دانشگاه شرکت می کنید. به عبارت دیگر، هیچ یک از والدین شما مدرک دانشگاهی ندارند.دانشجو بودن در نسل اول نشان دهنده پیشرفت برای یک خانواده است**.** دانشگاه نسل اول، دانشگاه های آموزش‌ محور هستند، که تا دهه اول انقلاب اسلامی ایران ادامه داشته به نام دانشگاه‌های آموزش‌محور یا دانشگاه‌های آموزشی شناخته می‌شود، هدف و وظیفه آن‏ها، ارائه آموزش و صدور مدرک تحصیلی است و برای توسعه کشور فقط به تربیت نیروهای مجرب آموزش‌دیده پرداخته می‏شود، فارغ‌التحصیلان آن برای امر تدریس در دانشگاه‌ها یا مراکز علمی و برای پر کردن پست‌های مدیریتی در صنعت کشور آماده می‌شوند و آموزش نیروهای انسانی جامعه جهت آگاهی‌بخشی و افزایش سطح آگاهی جامعه و تربیت نیروی انسانی برای انجام امور صنعتی و مدیریتی کشور صرف می‌شوند.

با گذر زمان و تغییراتی که جهان به تبع نیازهای انسان‏ها، با آن مواجه می‏شد، طبیعتاً انتظارات و نیازهای جوامع از دانشگاه نیز نیز تغییر کرده است. به دنبال تغییرات به وجود آمده، موج دوم انتظار جوامع از دانشگاه ها تولید علم بود بنابراین دانشگاه ها برای پاسخگویی به این انتظار، وارد مرحله یا نسل جدیدی شدند، به نام نسل دوم یا آموزشی-پژوهشی، که پر کننده خلاء‏هایی گشت که نسل اول قادر به مرتفع ساختن نیازهای جدید نبود. دانشگاه نسل دوم، دانشگاه‏های پژوهش‏محور هستند که با توسعه مرزهای دانش و پژوهش‌های بنیادین و تربیت نیروهای متخصص پدیدار شدند. این نسل از دانشگاه ضمن فعالیت‌های آموزشی مختص دانشگاه نسل اول، توجه بیشتری به مباحث پژوهشی و کاربردی داشته و خروجی آن افزایش تعداد مقالات ایران در میان کشور‌های پیشرفته بود. تا این مرحله (نسل دوم)، گرچه دانشگاه‏ها تولیدکننده نیروی متخصص بوده و در تولید علم هم مشارکت می‏نمایند ولی از نظر اقتصادی عمدتاً وابسته به بودجه‏های دولتی و تا حدی شهریه‏های دانشجویی بوده و لذا بیشتر، یک سازمان هزینه‏بر محسوب می‏شوند.

همچنان و با تحولاتی که جهان در خود مشاهده می‏کند، مأموریت‏های جدیدی برای دانشگاه‎ها تعریف می‏شود که کارآفرینی و مشارکت در تحقق اقتصاد دانش‎بنیان را می‏توان از مهم‏ترین آن‏ها برشمرد. البته اهمیت ویژگی اول یعنی کارآفرینی، برجسته‏تر بوده تا جایی که بسیاری از صاحب‏نظران و مراجع، دانشگاه نسل سوم را مترادف با دانشگاه کارآفرین دانسته‏اند. دانشگاه کارآفرین از نظر صاحب‏نظران دانشگاهی است که به لحاظ عملکرد در محدوده آموزش و پژوهش باقی نمانده و مأموریت‏های جدیدی را دنبال می‏کند. این مأموریت‏ها عمدتاً ناظر بر تبدیل یافته‏های علمی به محصولات عینی است. همچنین مشخص است در نظر صاحب‏نظران، این نسل از دانشگاه، نسلی است که به لحاظ اقتصادی صرفاً وابسته و مصرف‏کننده نبوده و به دنبال منابع جدید مالی است. تذکر این نکته ضروری است که تحول از دانشگاه نسل دوم به دانشگاه نسل سوم یک شبه اتفاق نمی‎افتد، بلکه مستلزم طی کردن یک دورە گذار است. دوره گذار یک دورە انتقالی است که دانشگاه در طی آن، رفته‏ رفته، زیرساخت‏ها و ظرفیت‏های لازم برای تبدیل شدن به یک دانشگاه نسل سوم را در خود ایجاد نموده و جهت‎گیری‏ها و محتوای فعالیت‏های آموزشی و پژوهشی خود را به سمت اهداف و ویژگی‏های کارآفرینانه هدایت می‏نماید. و چون نقطه شروع، شرایط شروع، طول مدت و کیفیت این دوره برای همه دانشگاه‏ها یکسان نیست، طبیعتاً مقصد آن‏ها هم نمی‏تواند یکسان باشد، یعنی منطقاً نمی‏توان یک هویت واحد به عنوان دانشگاه کارآفرین را برای همه دانشگاه‏ها تعریف نمود که باید به آن برسند.

محور و مأموريت کانوني نظام دانشگاهي در دانشگاه نسل سوم، کارآفرین و کارآفريني است. در دانشگاه نسل سوم رقابت افزایش می‏یابد و بهره‏برداری از دانش در کنار آموزش و تحقیق اهمیت پیدا می‏کند، در نتیجه ارتباط بین صنعت و دانشگاه نیز افزایش می‏یابد. بنابراین فرصتی برای دانشگاه ایجاد شده است که در فرایند رقابت قرار گیرد. محیط اقتصادی و اجتماعی دانشگاه و شرایطی که دانشگاه در آن قرار می‏گیرد، به نقش سرمایه انسانی و شرایط رقابت اقتصادی به میزان و کیفیت منابع انسانی موجود بستگی دارد.

کارکرد و مأموریت دانشگاه‏ها و مرا کز آموزش عالی در دهه‏های مختلف در مسیر تغییر و تحول و هویت‏یابی قرار گرفته‏اند. از آنجا که در دنیای امروز، دانشگاه یکی از نهادهای اصلی محسوب می‏شود، لذا بی‎توجهی به دانشگاه و رسالت‏های آن، می‏تواند تبعات زیان‎باری برای جامعه داشته باشد. امروزه رقابت در کشورهای جهان تحت تأثیر جهانی شدن و سایر فرایندها قرار می‏گیرد. در رقابت، دارایی‎های غیرملموس همانند دانش یا سرمایه اجتماعی به عنوان کلیدی‎ترین نقش در موتور توسعه اقتصادی محسوب می‏شود. جامعه و اقتصاد در حال گذار از تولید کمّی به تولید با کیفیت هستند. در حال حاضر، افق دانشگاه‏ها تربیت نیروی انسانی با ارزش افزوده و کیفیت فراملی است. از این ارتباط و ادغام نظریه و عمل خاستگاه علمی و اساسی دانشگاه‏ها است. در نسل چهارم دانشگاه‏ها ارزش‏های خود را بر مبنای مشارکت راهبردی، پرورش کارآفرین و میزان جذب سهم درآمد از منابع خارجی و هدایت و رهبری و همچنین میزان تأثیرگذاری بر سایر عوامل در جوامع تعریف می‏کنند. آموزش بر اساس نیاز جامعه و دانشجو انجام می‏شود و حل چالش‏های جامعه به عنوان اساس تحقیق در نظر گرفته می‏شود. دانشگاه‏ها از طریق تحقیقاتِ با کیفیت و نوآوری خود را با اقتصاد، در تعامل قرار می‏دهند. روابط گسترده با سایر دانشگاه‏ها و داشتن شبکه‏های ارتباطی با نخبگان می‏تواند نقش اساسی در اقتصاد محلی و جهانی ایفا کند. دانشگاه‏های نسل چهارم مدرن به تمرکز بر بهره‏برداری از نتایج نوآوری؛ که با با کیفیت بالا همراه است نیاز دارند. تعهد دانشگاه برای حفاظت از آینده بسیار مهم است. مأموریت نسل چهارم، نوآوری و تحقیق مسئولانه، انتقال دانش و انتقال فناوری است. ایجاد بنگاه‏های کسب‎وکار جدید از طریق اختراعاتی که توسط دانشگاه‏ها به وجود آمده‏اند و انتقال دانش به مؤسسات و شرکت‏ها از جمله راهکارهای تعاملی و ارتباط با صنعت است. از طرفی دیگر، فرهنگ‏سازی از طریق تغییر نگرش‏های اداره‎کنندگان کشور و دانشگاه و همچنین خواسته و انتظارات از دانشگاه وظیفه و مسئولیت‏پذیری را در مرا کز آموزش عالی تقویت می‏کند.

1. - در سال 2018، نسبت ثبت‏نام ناخالص در آموزش عالی برای ایران 8/62 درصد بوده است. نسبت ناخالص ثبت‏نام در آموزش عالی ایران از 4/16 درصد در سال 1995 به 8/62 درصد در سال 2018 افزایش یافته است که با نرخ متوسط سالانه 63/7 درصد رشد کرده است. [↑](#footnote-ref-1)